



تیتراژ امر روز

ابراز نگرانی منابع امنیتی رژیم صهیونیستی از تحولات کرانه باختری

اینک

جبهه کرانه



اتحادیه اروپایی در راهاندازی دور جدیدی از تنش ها با ایران چه نقشی را بر عهده گرفته است؟

پلیس بد

یا بازی خراب کن؟

گفتاری از خسرو باقری، عضو هیات علمی دانشگاه تهران درباره فلسفه برای کودکان

فبک

در گستره تربیت

«وطن امروز» از ضعف در اجرای مولدسازی دارایی های دولت گزارش می دهد

چالاهای

کسری بودجه

دولت در حالی ۵۰۰ همت برداشت از صندوق توسعه ملی در بودجه را پیش بینی کرده که دارایی های راکد زبان می سازند

دشمن روانشناس

نگاه

الهام قاجار

حکومت های مردمی و خداباور همواره سد بزرگی سسر راه منافع امپریالیسم جهانی بوده اند. انقلاب ایران در بین تمام جنبش های مردمی وجهه های متمایز و نقشی کلیدی بازی کرد؛ حکومتی مردمی که مستضعفان بزرگترین حامیانش بودند و اداره امور بر مبنای قوانین الهی است؛ مدین روحی به مردمان زیر یوغ استکبار که آنها را جانی نو بخشید تا مرانه از مرزها و موجودیت شان دفاع کنند و نه شرقی، نه غربی را فریاد برآورند. چنین انقلابی بی شک تهدیدی وجودی برای حکومت های استکباری تلافی جویانه آنها بود. انقلاب که حالا بعد از ۴۰ و چند سال در منطقه ریشه دوانده و جریان مقاومت را به عنوان هویتی فراملیتی برای دلباختگان مسیر عزت و آزادی پدید آورده، با دشمنی در جنگ است که تمام این سال ها با په پای او رشد کرده و برای شکستن کمرش به هر وسیله ای متوسل شده. به نظر می رسد یکی از مهم ترین حربه های او جنگ سرد یا عملیات های روانی است. احتمالا در اتاق فکری تخصصی به رفتارشناسی مردم کشورهای منطقه پرداختند و طبق الگوی تحلیلی اهداف جنگ های روانی خود را برنامه ریزی می کنند. یکی از نکات جالبی که نویسنده این یادداشت در مطالعات تخصصی روانشناسی به آن برخورد کرده، مسأله ای با عنوان خطاهای شناختی یا cognitive distortions است. با وجود خطای شناختی امکان تفکر انتقادی و استدلال منطقی از بین می رود و فرد در روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و رسیدن به نتیجه گیری دچار آشفتگی و خطا می شود. یعنی تجزیه عقلانی ذهنی که بر مبنای اصول اخلاقی، منطقی، علم، فرهنگ و دین در مسیر رشد و تربیت شکل می گیرد، دچار اغوجاج و درهم شکستگی می شود. با نگاهی دقیق می توان رد پای این خطاها را در بسیاری از تحلیل های مردمی و حتی جامعه نگهبانی بویژه مردم سوریه این روزها مشاهده کرد. در واقع خطای شناختی که مشاوران و درماترگان پس از شناسایی آن به عنوان علت اصلی بسیاری از مشکلات اقدام به ایجاد بینش و رفع آن در فرد می کنند، ابزارهای کاربردی غرب برای استیلای ذهنی بلوک شرق است. هدف مدیریت جنگ با ابزارهای روانشناختی و سلطه بر افکار مردم است. ایجاد شکاف بین حاکمیت و مردم، تحریک دلخواه روانی مردم، جهت دهی فکری و ایجاد سوگیری های مطلوب، ایجاد نارضایتی، برانگیختن خشم توده ها و جهت دهی به این خشم، القای ناامیدی و در نهایت شوراندن مردم برای آشوب های داخلی همگی اهدافی است که با ابزار روان شناسانه ایجاد خطای شناختی محقق خواهند شد.

«وطن امروز» گزارش می دهد

چه سناریوهایی درباره داستان اخیر پهبادهای آمریکا مطرح است؟

بازی پرنددها



چگونه می توان به اعتماد عمومی در استاندارد مختلف بازگشت؟

غیراستانداردها و چالش «اعتماد عمومی»

محصولات کم کیفیت گذشته خود داده اند. فارغ از موضوع مذکور، برخی نشانه وارها (برندها) نیز سعی داشته اند با اخذ استانداردهای بین المللی (ایزوها) مسیر داخلی را دور زده و علاوه بر ایجاد یک وجهت خارجی، اعتماد عمومی را دوچندان بدون در نظر گرفتن استانداردهای داخلی اخذ کنند. حال آنکه در بسیاری از کشورهای جهان، این «نظام استاندارد ملی» است که علاوه بر ایجاد اعتماد عمومی دوچندان، محصول را بر اساس نیازسنجی سلامت، کیفیت و موارد دیگری بومی سازی می کنند. به طور مثال، در ایالات متحده، اعتماد عمومی به محصولات تحت نظارت FDA بسیار بالا است. این سازمان به عنوان نهاد مسؤول نظارت بر ایمنی غذا، دارو و محصولات بهداشتی، با بررسی و تأیید محصولات قبل از ورود به بازار، اطمینان می دهد که این محصولات برای مصرف کنندگان بی خطر هستند. این اعتماد بویژه در زمان های بحرانی مانند شیوع بیماری ها و پاندمی ها اهمیت بیشتری پیدا می کند و باعث می شود مردم به راحتی به محصولات بهداشتی و دارویی اعتماد کنند.

در اروپا، سازمان های نظارتی مشابهی وجود دارند، مانند آژانس ایمنی غذا و داروی اروپا (EFSA) و استانداردهای CE. این سازمان ها با تدوین قوانین و استانداردهای دقیق، به مصرف کنندگان در کشورهای اروپایی اطمینان می دهند که محصولات خریداری شده از نظر کیفیت و ایمنی در سطح بالایی قرار دارند. به عنوان مثال، علامت CE روی محصولات نشان دهنده این است که محصول با استانداردهای ایمنی و سلامت اتحادیه اروپا مطابقت دارد. این موضوع به مصرف کنندگان و شهروندان اروپایی کمک می کند با اطمینان بیشتری خرید و از کیفیت کالاها اطمینان حاصل کنند. در نتیجه، قوانین استاندارد و نظارت های مربوط در کشورهای مختلف، نه تنها به حفظ سلامت و ایمنی مصرف کنندگان داخلی کمک

حقوق مصرف کنندگان و توسعه اقتصادی کشور مشهود است، زیرا با ارتقای کیفیت محصولات و خدمات، این سازمان به بهبود رقابت پذیری صنایع داخلی کمک می کند و بهبود کیفیت زندگی مردم را تسهیل می کند. با این حال، سازمان ملی استاندارد با چالش هایی مانند عدم تطابق برخی محصولات با استانداردها و نیاز به به روزرسانی مداوم استانداردها مواجه است. آینده این سازمان بستگی به توانایی آن در پاسخ به نیازهای روز جامعه و صنعت دارد. در نهایت، سازمان ملی استاندارد ایران به عنوان یک نهاد کلیدی در ارتقای کیفیت و استانداردسازی در کشور، نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا می کند و نیاز به توجه و حمایت مستمر دارد؛ توسعه ای که اساسا در گرو یک اعتماد دوطرفه میان شهروندان و سازمان استاندارد است.

سلب اعتماد به وجود آمده درباره نشانه وارها استانداردهای ملی در کشور پیردازد و کیفیت محصولات و خدمات را ارتقا دهد. هدف اصلی این سازمان حفاظت از منافع مصرف کنندگان و ارتقای کیفیت کالاها و خدمات است. از جمله وظایف این سازمان می توان به تدوین استانداردهای ملی در زمینه های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات اشاره کرد. همچنین، سازمان ملی استاندارد نظارت بر کیفیت کالاها و خدمات را بر عهده دارد تا ایمنی و سلامت مصرف کنندگان را تضمین کند.

این سازمان علاوه بر صدور گواهینامه های استاندارد برای محصولات و خدمات مطابق با استانداردهای ملی، به ارائه آموزش های لازم به تولید کنندگان و مصرف کنندگان در زمینه استانداردها و کیفیت نیز می پردازد. همکاری با سازمان های بین المللی و کشورهای دیگر در زمینه تبادل اطلاعات و استانداردسازی نیز از دیگر وظایف این نهاد است.

اهمیت سازمان ملی استاندارد در حفاظت از

یادداشت حامد سرلکی

بسیاری از ایرانیان هر از چندی از اطلاعیه های سازمان های مختلف پیرامون غیراستاندارد بودن برخی نشانه وارها و محصولات آشنا می شوند؛ از لوازم بهداشتی و آرایشی تا مواد غذایی و حتی لوازم مصرفی خودروهای مختلف. این موضوع به عنوان یکی از دغدغه های اجتماعی و در زیر گروه «اعتماد عمومی» قابل تفسیر است؛ موضوعی که پیش از هر چیزی کلمات «کیفیت»، «استاندارد» و از همه مهم تر کارکردهای «سازمان ملی استاندارد» را یادآور می شود.

پیش از ورود به بحث آسیب شناسی سلب اعتماد عمومی از استاندارد محصولات، باید پیشینه ای کوتاه از نحوه تأسیس سازمان ملی استاندارد و همچنین کارکردهای آن دانست. سازمان ملی استاندارد ایران (ISIRI) در سال ۱۳۴۸ تأسیس شد تا به تدوین و اجرای استانداردهای ملی در کشور بپردازد و کیفیت محصولات و خدمات را ارتقا دهد. هدف اصلی این سازمان حفاظت از منافع مصرف کنندگان و ارتقای کیفیت کالاها و خدمات است. از جمله وظایف این سازمان می توان به تدوین استانداردهای ملی در زمینه های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات اشاره کرد. همچنین، سازمان ملی استاندارد نظارت بر کیفیت کالاها و خدمات را بر عهده دارد تا ایمنی و سلامت مصرف کنندگان را تضمین کند.

این سازمان علاوه بر صدور گواهینامه های استاندارد برای محصولات و خدمات مطابق با استانداردهای ملی، به ارائه آموزش های لازم به تولید کنندگان و مصرف کنندگان در زمینه استانداردها و کیفیت نیز می پردازد. همکاری با سازمان های بین المللی و کشورهای دیگر در زمینه تبادل اطلاعات و استانداردسازی نیز از دیگر وظایف این نهاد است.

اهمیت سازمان ملی استاندارد در حفاظت از

www.vatanemrooz.ir

در شبکه های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

سیاست

از تدبیر تا تصمیم



یادداشت روز

حمید ملکنزاده

امروز تقریباً در میان همه گروه ها و جناح های سیاسی و فعالان حوزه های مختلف در جمهوری اسلامی ایران درباره اصل وجود مجموعه ای از ناترازی ها در حوزه های مختلف اتفاق نظر وجود دارد. همین طور همه شهروندان ایرانی در زندگی روزمره خود با تبعات ناشی از این ناترازی ها آشنا هستند. هیچ حوزه ای از زندگی ایرانیان نیست که از این ناترازی ها متأثر نباشد. با وجود این هنوز ایرانیان نه در سطح مردم و نه در سطح کارشناسان درباره چگونگی مواجهه شدن با این ناترازی ها و درباره راه حل های مواجهه شدن با این ناترازی ها اتفاق نظر ندارند. در عین حال رویکردهای متفاوتی نسبت به موضوع ناترازی ها در میان مسؤولان امر مشاهده می کنیم که امکان مواجهه بنیادین و معنادار با موضوع ناترازی را از مجموعه تصمیم گیران در این زمینه از بین برده است. با عنایت به اینکه در روزهای اخیر موضوع ناترازی های انرژی به مسأله ای اساسی در جامعه ایرانی تبدیل شده، تلاش می کنم تا در این یادداشت به این مسأله بپردازم.

سیاست و مسأله تصمیم

بر خلاف آنچه ممکن است درباره این موضوع گفته باشند، من فکر می کنم انباشت بحران در زمینه انرژی در جامعه محصول به تعویق انداختن تصمیمات بنیادین در زمینه اصلاح مسائل مربوط به موضوع انرژی در ایران باشد. این تعویق در تصمیم گیری احتمالاً ناشی از فقدان یک برنامه کلی با چشم انداز واقع بینانه از شرایط جامعه ایرانی است. همین طور سردرگمی ناشی از کوتاهی در تحقق اهداف برنامه های توسعه در این زمینه مؤثر بوده است. تا جایی که به موضوع حاضر مربوط می شود ما در ایران با حجم زیادی از برنامه ها و چشم اندازهای مصوب و سطح پایینی از تحقق انتظارات توسعه ای همراه هستیم. عدم تحقق این برنامه ها احتمالاً بیش از هر چیز دیگری ناشی از تعلل مسؤولان دولتی و غیردولتی در تصمیم گیری بر اساس برنامه های مصوب باشد. از این جهت می توانم ادعا کنم مشکلات امروز ما ناشی از تعطیل شدن سیاست است. برای روشن شدن چیزی که در ذهن دارم این نکته را متذکر می شوم که سیاست به طور کلی مستلزم تصمیم گرفتن است و همان طور که می توانیم انتظار داشته باشیم سیاست در جهان جدید تصمیم گرفتن برپایه و به نام دولت با عنایت به منافع واقعی آن است تصمیم گرفتن در این معنا مستلزم داشتن تصویر یا تصویری معلوم از دولت، توانایی ها، محذورات و چشم اندازهای آینده آن است. تنها در این معناست که دولت های توانمند برنامه نویسی توسعه یا غیر توسعه ای، با تعیین چشم اندازهای چندین و چند ساله صحت کنند. اینطور به نظر می رسد که ما در طول سال های گذشته به رغم وجود برنامه های مشخص توسعه ای در زمینه های مختلف به خاطر ناتوانی یا نبود اراده کافی برای دست زدن به تصمیمات اساسی از تحقق اهداف خود در زمینه های مربوط به انرژی ناگام ماندیم.

دولت و مسأله ناترازی انرژی

معمولاً بعد از روی کار آمدن نیروهای جدید در قوه مجریه بحث درباره ناترازی های انرژی با قدرت بیشتری مطرح می شود. تلاش برای افزایش قیمت حامل های انرژی یا هدف نزدیک کردن آن به قیمت جهانی، یا منظور که مرسوم است واقعی کردن قیمت حامل های انرژی، و سوسوای است که تقریباً در همه دولت های جدید در ایران مطرح شده است. با وجود این هنوز هیچ کدام اقدامات پیشین نتوانسته به شکل معناداری این مسأله را حل کنند. من اینطور فکر می کنم که ناتوانی در حل کردن مشکلات موجود در این زمینه یک دلیل اساسی دارد: صورت بندی کردن اندرست مسأله موضوع ناترازی های انرژی در ایران موضوعی چندوجهی است که نباید آن را صرفاً در هزینه های که شهروندان برای مصرف انرژی پرداخت می کنند خلاصه کرد. همین طور صرف بحث درباره اصلاح الگوی مصرف شهروندان نمی تواند در این زمینه کافی باشد. من این موضوع را از این جهت متذکر می شوم که اولاً موضوع قیمت تمام شده در سطح تولید و عرضه حامل های انرژی به مسائل کلان تری مانند ارزش پول ملی در مقابل دلار یا ارزهای تأثیرگذار دیگر در بازار انرژی مربوط می شود. یعنی بخشی از افزایش هزینه های دولت در جریان تولید و عرضه انرژی در جایی بیرون از خود این حوزه، یعنی در شاخص های کلان اقتصادی که بر میزان برابری پول ملی با دلار و ارزهای دیگر تأثیرگذار است، رقم می خورد. از این جهت تا وقتی دولت ها مسأله برابری پول ملی همواره با این مسأله دست به گریبان خواهند بود. تا نیا در موضوع اسراف یا اصلاح الگوی مصرف انرژی در میان ایرانیان، باید به مجموعه درهم تنیدهای از مسائلی مربوط به قوانین ساخت و ساز، کیفیت خودروهای داخلی، فرسودگی و اتلاف انرژی در شبکه توزیع و موضوعات دیگری مانند این توجه کرد.